

## اعترافات یک قاتل

روایت‌شده در یک شب

یوزف روت

مترجم

علی اسدیان



نشر ماهی

تهران

۱۳۹۷

## درباره‌ی نویسنده

یوزف روت در سپتامبر سال ۱۸۹۴ در برودی<sup>۱</sup> به دنیا آمد. حضور پدر را هرگز تجربه نکرد و نزد مادر و پدر بزرگش بالید. دوران ابتدایی و دبیرستان را در همین شهر پشت سر گذاشت و پس از دریافت دیپلم، همراه مادرش به وین نقل مکان کرد. روت در وین به تحصیل در رشته‌های ادبیات آلمانی و فلسفه پرداخت. در بیست و یک سالگی، اولین مجموعه‌ی شعرش را به نام معمای جهان منتشر کرد. در سال ۱۹۱۶، داوطلبانه به خدمت سربازی رفت و یک سال بعد به سرویس مطبوعاتی ارتش در وین منتقل شد. طی این سال‌ها، مقالات و اشعارش در وین و پراگ به چاپ می‌رسید. روت در جنگ جهانی اول به اسارت روس‌ها درآمد و پس از پایان جنگ و رهایی از اردوگاه سبیری به وین بازگشت. به علت مشکلات مالی، تحصیل را رها کرد. به خبرنگاری رو آورد و به مقاله‌نویسی برای روزنامه‌ی روزنو مشغول شد. طی یک سال، بیش از صد مقاله از او به چاپ رسید و سرانجام سردبیری همین روزنامه را به عهده گرفت. پس از تعطیلی روزنامه‌ی روزنو و در سال‌های شکوفایی فرهنگی جمهوری وایمار، عازم برلین شد. آن‌جا برای چندین روزنامه مقاله می‌نوشت. در سال ۱۹۲۲، با فردریکه ریشلر، دختری اهل وین، ازدواج کرد. سال بعد، از برلین به وین بازگشت و کار مقاله‌نویسی برای چند روزنامه را ادامه داد. سال ۱۹۲۴ دو رمان هتل ساوی و عصیان را به چاپ رساند. در همین سال خبرنگار دائمی روزنامه‌ی فرانکفورت شد و یک سال بعد از طرف این روزنامه به پاریس سفر کرد. سپس برای تهیه‌ی گزارش راهی اتحاد جماهیر شوروی شد و پس از بازگشت به سرعت از سوسیالیسم رو برگرداند. فردریکه ریشلر، پس از شش سال زندگی مشترک با روت، دچار اسکیزوفرنی شد. او به یک

۱. شهری مرزی در منطقه‌ی گالیتسین که از سال ۱۷۷۲ تا ۱۹۱۹ به اتریش تعلق داشت و پس از جنگ جهانی اول جزو لهستان شد و از سال ۱۹۴۵ جزو اوکراین محسوب می‌شود.

آسایشگاه روانی انتقال یافت و بعدها هم به دست نازی‌ها کشته شد. کمی پس از روی کار آمدن هیتلر، روت برای همیشه برلین را ترک کرد و در پاریس ساکن شد. در آنجا به فعالیت قلمی علیه ناسیونال سوسیالیسم پرداخت. در ماه مه ۱۹۳۳، نازی‌ها آثار یوزف روت را به آتش کشیدند.

یوزف روت نه تنها نویسنده، که خبرنگار بسیار موفق و سرشناسی هم بود. وی طی زندگی کوتاهش آثار بسیاری خلق کرد. بیش از ده رمان، ده‌ها نوول و داستان کوتاه و صدها مقاله از او به جای مانده است.

از زمانی که به نوشتن روی آورد، به جز دوران کوتاه زندگی مشترک با فردریکه ریشلر، هرگز خانه و کاشانه‌ای نداشت. او مسافر همیشگی هتل‌های مختلف بود.

یوزف روت پس از یک بیماری طولانی، در بیست و هفتم ماه مه ۱۹۳۹ در چهل و پنج سالگی در بیمارستانی در پاریس چشم از جهان فرو بست.

روت اعترافات یک قاتل را در ایام مهاجرت در پاریس نوشت. این رمان در سال ۱۹۳۶، یعنی سه سال پیش از مرگش، منتشر شد. اعترافات یک قاتل شرحی است از شور و عشق، انسانیت، کینه و انتقام، جنگ و صلح، نیکی و بدی و هر آنچه در نهاد بشر خانه دارد.

راوی مردی است میانسال به نام گالوبیچیک، پسر نامشروع یک شاهزاده‌ی روس، خبرچین و جاسوس سابق پلیس مخفی مخوف روسیه‌ی تزاری، که شبی از شب‌های دهه‌ی سی میلادی در پاریس و در کافه‌رستوران روسی تاری-باری، پاتوق مهاجرین روس، سرگذشت خود را برای چندتن از مشتریان دائم این کافه تعریف می‌کند.

این سرگذشت چنان پر از حادثه و ماجراست که شنندگان خود را مسحور می‌کند و معنا و مفهوم زمان و مکان ضمن نقل آن رنگ می‌بازد. یوزف روت در این رمان نیز مانند بسیاری از آثارش به انسان و سرگذشتی‌هایش می‌پردازد، به انسان‌هایی که همواره در جست‌وجوی هویت خویشند و دانسته و ندانسته عدالتی را می‌جویند که وجود ندارد.

علی اسدیان

زمستان ۱۳۹۰، برلین